

# ساماندهی مهاجران را انجام بده همسایه را دزد نکن



زینب مزوقی  
خبرنگار گروه نقد روز

دقیقا یک ماه قبل و با شکل گیری یک درگیری میان تعدادی از جوانان میبیدی و چند تن از اتباع افغانستانی، مساله مهاجران افغانستانی مجددا مطرح شد. پیرو این درگیری، مردم میبید درخواست هایی از مسئولان استان یزد و شهرستان داشتند. اینکه حضور مهاجران افغانستانی در شهر میبید کنترل شود و ورود و خروج شهرک افغانستانی نشین این شهرستان تغییر کند. شورای تامین استان و استانداران این استان تصمیماتی برای آرام کردن جو منطقه اتخاذ کردند که موجب شد نزاع و درگیری هاتمام شود و دیگر خبری مبنی بر درگیری میان طرفین ایرانی و افغانستانی منتشر نشد و هرچند مقطعی، اما کلیت ماجرا ختم به خیر شد. در ساعات اولیه وقوع انفجار تروریستی در مسیر گلزار شهدای کرمان اخباری مبنی بر افغانستانی بودن ملیت عاملان انتحاری حادثه تروریستی کرمان منتشر شد. تا اینکه رفته رفته موج اخبار زرد و شایعات این حادثه رد شد و مشخص شد عامل انتحاری حادثه، تاجیک بود و علاوه بر این مساله نیز در میان جان فدايان این حادثه، ۱۳ شهید افغانستانی داشتیم که در میان آنها یک کودک چهارساله نیز وجود داشت. اما همین امر و شایعه اولیه منتشر شده، مبنی بر اینکه عامل انتحاری افغانستانی بود، نشان می دهد که به دلیل ضعف در ساماندهی اتباع افغانستانی توسط مسئولان مربوطه کشور، در هر نازاری که در کشور رخ می دهد، برخی از مردم عامل این نازاری ها را اتباع افغانستانی می دانند. البته در تحلیل منطقی این امر و نه بعد احساسی، آنچه که باید از سوی مردم مطالبه و مطرح شود، ابتدا کنترل مرزهای شرقی کشورمان برای جلوگیری از ورود غیرقانونی اتباع افغانستانی و در مرحله بعد، ساماندهی افغانستانی های موجود در کشور است. اما به هر حال حادثه تروریستی کرمان باعث شد دوباره مساله حضور اتباع افغانستانی در کشور مطرح شود و ضعف نهاد های مرتبط با ساماندهی این اتباع را نشان دهد. از شکل گیری درگیری در میبید درست یک ماه می گذرد. در این یک ماه میان جامعه میزبان و جامعه میهمان، به دلیل این درگیری تنش هایی به وجود آمد اما آيا تصمیمی جامع به مثابه یک سیاست کلان برای ساماندهی حضور اتباع افغانستانی در کشور اتخاذ شد؟ خیر!

از ضعف های عمده ای که کارشناسان حوزه مهاجران نیز بر آن تاکید می کنند، نامشخص بودن تعداد مهاجران افغانستانی حاضر در کشورمان است. بدیهی است پس از قدرت گرفتن طالبان در افغانستان بر تعداد مهاجران افغانستانی موجود در ایران افزوده شد. اما آمارها در رابطه با تعداد این مهاجران هنوز در حد حدس و گمان است و دقیق نیست. برخی آمارهای غیررسمی می گویند پس از حضور طالبان، روزانه ۱۰ هزار نفر به طور غیررسمی وارد ایران می شوند. آماره امسال وزیر کشور در حاشیه هیات دولت آمار اتباع افغانستانی موجود در ایران را حدود پنج میلیون نفر دانست که از این تعداد نیز بخشی مهاجران غیرقانونی و بخشی دیگر مهاجران دارای مجوز هستند. وزیر امور خارجه کشورمان نیز در همان آذرماه با قاطعیت بدون تفکیک قانونی و غیرقانونی، اتباع افغانستانی را پنج میلیون نفر اعلام کرد. بدیهی است ضعف در نبود آمار و عدد، باعث ضعف در ساماندهی خواهد شد. یعنی کشور میزبان نمی داند که قرار است برای چند میلیون مهاجر قانونی، خدمات ارائه دهد یا اصلا چه تعداد از مهاجران موجود قانونی و چه تعدادشان غیرقانونی هستند. همچنین، آمارهای غیررسمی نشان می دهد سالانه عددی میان ۵۰ هزار تا یک میلیون نفر افغانستانی از ایران اخراج می شوند. اما آیا سیاست اخراج، سیاست صحیحی برای اتباع غیرقانونی خواهد بود؟

آمار صعودی تعداد اتباع موجود، چه اتباع قانونی و چه اتباع غیرقانونی، نشان می دهد اصولا سیاست اخراج اتباع افغانستانی، سیاست صحیح نیست؛ چراکه در این مدت تعداد مهاجران موجود در جامعه راکاهش ن داده است. در میان افراد اخراج شده از سوی مسئولان کشورمان، افغانستانی هایی وجود دارند که ۱۳ الی ۱۴ بار از سوی دولت ایران اخراج شده اند. همین مورد نشان می دهد در هر صورت برخی از آنها سختی ها و غیرقانونی بودن حضور در ایران را به حضور در کشورشان ترجیح می دهند. اما با وجود تمام چالش های اخیر، هنوز سیاستگذاران اهمیت مساله ساماندهی اتباع افغانستانی را متوجه نشده اند و انگار قصد ندارند این

گره موجود در جامعه را با یک بند، البته صحیح نبودن سیاست اخراج به معنای برخورد نکردن با اتباع غیرقانونی نیست بلکه به این معناست که این تصمیم مرهمی برای جامعه افغانستانی حاضر در ایران نیست و در رابطه با حضور آنها در ایران نیازمند سیاستی کلان و اتخاذ تصمیمات ملی هستیم. اتخاذ تصمیمات سیاستی کلان در وهله اول نیازمند این است که سیاستگذاران و البته مجری قانون مساله و معضل رایک مساله ملی ببینند. اگر دولتمردان کشورمان و نهاد های مرتبط با مهاجران، ساماندهی مهاجران و اتباع رایک مساله ملی ببینند، دیگر از تصمیمات مقطعی و مرهم های موقت برای مهاجران عبور خواهیم کرد و یک سیاست ملی برای این مساله پیش گرفته خواهد شد.

## آمار مهاجران با واقعیت های کف میدان فاصله دارد

محمد رسول رستمی، رئیس اندیشکده دیاران و فعال حوزه مهاجران معتقد است از مشکلات موجود در این حوزه، نهاده و آمار است. او می گوید یک سناریو وجود دارد و آن این است که در واقع نهاد های مربوطه هیچ داده ای در رابطه با اتباع افغانستانی ندارند و من فکر می کنم این سناریو تری و محتمل تر است. رستمی همچنین می گوید: «سازمان ملی مهاجرت و خود وزارت کشور اعلام می کند ما مثلا چهار میلیون میلیون مهاجر در ایران داریم. در حالی که قطعا این طور نیست. یعنی قطعا یک جمعیت قابل توجهی وجود دارد که اینها غیرقانونی اند و در هیچ کدام از سرشماری های ما، چه سرشماری های قبل از سال ۱۴۰۱ و چه خود سال ۱۴۰۱ و چه بعدش شرکت نکردند. از این رو هیچ آمار ای از اینها نیست و آمارها در رابطه با این جمعیت فقط حدس و گمان است. حدس و گمان ها هم از طریق چند گزارش به دست آمده است. مثلا فرض کنید تعداد دانش آموزان اتباع افغانستانی در سال ۱۴۰۰ قریب به ۵۰۰ هزار نفر بوده و در سال ۱۴۰۱ به بالای ۶۰۰ هزار نفر رسید. افزایش بیش از ۱۰۰ هزار دانش آموز به مای گوید جمعیت مهاجران افغانستانی در ایران افزایش داشته است.»

رستمی همچنین در رابطه با اخراج مهاجران نیز ادامه می دهد: «تعداد اخراج مهاجران نیز به نشان می دهد تا همین یک ماه گذشته و امسال، حدود ۵۰۰ الی ۶۰۰ هزار نفر اخراج شده اند. سال گذشته یک میلیون نفر و سال قبلش هم حدود ۷۰۰ میلیون نفر از کشور اخراج شده اند. این تعداد مهاجران غیرقانونی به ما نشان می دهد داده های ما با واقعیت کف میدان بسیار فاصله دارد. این وسط نزدیک سری



گناه زنی را انجام می شود. مثلا قریب به هفت میلیون نفر مهاجر در ایران وجود دارد و نه چهار میلیون میلیون نفر. البته خود دوستانی که می گویند چهار میلیون مهاجر وجود دارد، معتقدند این عدد کف مهاجران موجود در جامعه است و تعدادی مهاجر غیرقانونی هم وجود دارند که مجموعا می شوند پنج میلیون نفر. اما من هم معتقدم که عددها بیشتر از این است. اما فکر می کنم عدد هفت میلیون نفر از تمام اعداد موجود، عدد دقیق تری است؛ چراکه به آمارهای بین المللی و آمارهای موجود نیز نزدیک تر است. اما با این وجود باز هم عدد دقیقی وجود ندارد.»

## اکثریت مهاجران به ایدئولوژی حاکمیت نزدیکند

رئیس اندیشکده دیاران همچنین در رابطه با این مساله که با جمعیت مهاجران افغانستانی چه باید کرد؟ می گوید: «پیش از حادثه کرمان این انگاره وجود داشت که هراتفاق ناخوشایندی در ایران بیفتد، گروهی در کشورمان وجود دارد که مخالف حضور اتباع غیر ایرانی در ایران هستند و از هر فرصتی استفاده می کنند که نگاهشان راه تمام مردم گسترش دهند. چه اتفاق میبید، چه اتفاق مشهید و به شهادت رساندن دوروحانی، چه اتفاقات شاهچراغ که اتفاقی که اخیرا در کرمان افتاده. در تمام این موارد، اولین حدس و گمان این بوده که مهاجران را متهم کنند. این درحالی است که دیدیم در حادثه کرمان ۱۳ نفر از شهید افغانستانی بودند. همین امر نشان دهنده علقه جامعه مهاجران به ایدئولوژی جامعه میزبان است و این امر مان قاطعیت می گویم که در موقعیت هایی، جامعه مهاجران نسبت به خود جامعه ایرانی، اعتقاد بیشتری به ایدئولوژی حاکمیت دارند.» رستمی همچنین ادامه می دهد: «قاطبه مهاجران، به حاکمیت بسیار نزدیک هستند. برخی این نزدیکی را به دلیل ترس جامعه مهاجران از حاکمیت می دانند. از اینکه مبادا اخراج شوند. اما این درحالی است که جامعه مهاجران شیعی هستند. با وجود اینکه افغانستانی ۱۳ شهید در حادثه تروریستی کرمان داشتند اما همچنان انگشت اتهام به سمت آنهاست. من احساس می کنم اساسا این مساله هیچ گونه ارتباطی با حضور مهاجران افغانستانی ندارد؛ چراکه اساسا کسانی که این اتفاقات را رقم می زنند، خارج از ایران هستند و برای عملیات تروریستی وارد ایران می شوند، نه اینکه در ایران رشد کرده باشند. مراکز آموزشی و فرهنگی مان باعث شده مهاجران رنگ و بوی فرهنگ ایرانی را به خودشان بگیرند و اساسا با این نگاه تکفیری، مشکل دارند. اتفاقا اصل را برای دخالت مهاجران در امور اجتماعی و ادغام شان این است که باعث فاصله گرفتن

آنها از اعتقادات و نگاه هایی است که برای کشورمان تهدید آمیز است.»

## مهاجران باید رسمی سازی شوند

این فعال حوزه مهاجران اصلی ترین راهکار موجود در رابطه با این جامعه را جمع آوری داده می داند. رستمی در این رابطه توضیح می دهد: «برخی نهاد ها در کشور می توانند داده ها و آمارها در رابطه با حوزه مهاجران را جمع آوری کنند. پس از استخراج آمار و داده، مهم ترین کار این است که مهاجران را رسمی سازی کنیم. این مقوله سال ها است محل اختلاف مسئولان و دستگاه های اجرایی است و اکنون سازمان ملی مهاجرت به دنبال رسمی سازی مهاجران است تا به این افراد شناسه های هویتی بدهد. متاسفانه بسیاری فکر می کنند که رسمی سازی مهاجران، مقدمه پذیرش شان به عنوان اتباع ایران است و بعدا قرار است به اتباع شناسنامه بدهیم. درحالی که این مسائل کاملا دو امر متفاوت است. وقتی این اتفاق رقم نخورد و داده ای از مهاجران نداشته باشیم، همیشه این پرسش وجود دارد که این افراد چه کسانی هستند؟ چه تعدادی هستند و چه کارهایی انجام می دهند؟ بدیهی است که این امر تبدیل به بحران اجتماعی می شود. در بحران نیز چاره ای به جز تصمیمات فوری و عجله ای اتخاذ نمی شود.»

## سیاست های پلیسی در حوزه مهاجران باید اصلاح شوند

رستمی ادامه می دهد: «پس از آن برای مقطع کوتاهی، این بحران می خوابد. درحالی که این زخم همیشه وجود دارد و اتفاقا از نکاتی که ما همیشه می گوئیم این است که وقتی فردی در ایران حضور موثر دارد اگر در ایران به رسمیت شناخته نشود، آیا این امر باعث می شود که فرد از ایران برود؟ خیر، فقط و فقط باعث می شود هیچ تعلقی به ایدئولوژی ما نداشته باشد. از این رو آدمی که اعتقادی به باورهای ما نداشته باشد، برای ما خطرناک خواهد بود. برای همین باید جامعه مهاجران را ساماندهی کنیم و از قبل این ساماندهی هم یک تعلق به وجود می آوریم و این تعلق به محل قدرت ما تبدیل می شود. اما متاسفانه ما به جای کارهای سیاستگذارانه، کارهای پلیسی را پیش می گیریم. مثالیکی از وظایف نیروی انتظامی در حوزه مهاجران به جای کنترل ورود غیرقانونی، اخراج شان است. این سیاست، سیاست درستی نیست؛ چراکه اگر درست بود، ماتا به امروز هیچ مهاجری نداشتیم، درحالی که امسال حدود ۵۰۰ هزار نفر مهاجر غیرقانونی از ایران اخراج شدند.»

# ذبح عدالت جنسیتی در غرب با ساختار بروکراتیک خانواده

محسن جوهری  
پژوهشگر هسته مکتب امام خمینی، مرکز رشد دانشگاه امام صادق

روز چهارشنبه، ششم دی ماه ۱۴۲۴ و در ایام سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س)، در شرایطی که کماکان متأثر از حوادث سیاسی و اجتماعی سال قبل، ذهن ها مساله مند موضوع زنان است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدار با جمعی از بانوان، به تبیین دیدگاه اسلام نسبت به موضوع زنان پرداختند. حضرت آیت الله خامنه ای در بخش نخست این دیدار ضمن ذکر و یاد حضرت صدیقه طاهره (س)، از ایشان به عنوان الگوی زن مسلمان در عرصه های مختلف زیست فردی، خانوادگی، سیاسی و اجتماعی یاد کردند.

رهبر انقلاب در ادامه بیانات خود به تبیین دو جهت گیری و رویکرد متقابل در موضوع زنان، یعنی «رویکرد متداول غربی» و «رویکرد اسلامی» پرداختند. آیت الله خامنه ای با تاکید بر عدم ورود «نظام فرهنگی و تمدنی غرب» به بحث های عمیق معرفتی و پیگیری تحقق اهداف خود با ابزارهای غیرمعرفتی، به استیضاح رویکرد غربی و به رخ کشیدن تناقض هایش پرداختند. با تحلیل بیانات رهبر انقلاب می توان برخی پرسش های مطرح شده در بیان ایشان را بدین نحو صورت بندی کرد:

– چرا علی رغم ادعای غرب درباره تکريم جایگاه زنان، نگاه جنسی به زن توسعه یافته و بدین ترتیب حرمت او روز به روز کاهش می یابد؟  
– چرا با وجود تنافی بسیار واضح همچسن گرایي با اخلاق انسانی، این امر ناصواب اخلاقی، با پشتیبانی یک رویکرد همزیستی قوی، تبلیغ و ترویج می شود؟  
– چرا نهاد خانواده در غرب روز به روز ضعیف تر می شود؟ طبیعتا توسعه معنای خانواده به انواع و اقسام و هم باشی و سپس ادعای حمایت از آن، صرفا دال خانواده را از معنا تهی می کند!  
– چرا بر خلاف شعارهای دانه می غرب درباره آزادی، نه تنها از حق پوشش عیفتانه زن محجبه حمایت نمی شود، بلکه به شدت با حجاب مقابله می شود؟  
از نگاه ایشان «ملخص سیاست و رویکرد تمدن غربی»، ذیل دو مولفه «لذت جویی» و «سود جویی» می گنجد. مولفه لذت جویی به وضوح خود را در تبدیل کردن عامدانه سوژه زنانه به ابژه جنسی مرد نشان می دهد. شرح مفصل تر

مولفه سود جویی نیز سال قبل، در بیانات رهبر انقلاب در همین مناسبت بیان شده بود؛ جایی که ایشان در فراتحلیلی ژرف اندیشانه، فمینیسم و جریان های غربی منادی احقاق حقوق زنان را متأثر از سرمایه داری نهادینه شده در غرب مدرن تلقی کرده و تبدیل شدن زن به نیروی کار ارزان قیمت را علت اصلی سوق دادن زنان به نوع تقلیل گرایانه ای از فعالیت های اقتصادی دانستند:

«اصلا نظام سرمایه داری غرب یک نظام مردسالار است... یک علت اینکه در قرن نوزدهم و بعد، قرن بیستم – بیشتر قرن نوزدهم – مساله آزادی زن مطرح شد، برای این بود که زن ها را از خانه بیرون بکشند، بیزند کارخانه، یا مزد کمتر از آنها استفاده کنند.» (۱۴۰۱/۱۴)

حضرت آیت الله خامنه ای در این دیدار، عقلانیت اسلامی در نسبت با موضوع زن را «یکی از نقاط قوت اسلام» معرفی کرده و سپس «عدالت جنسیتی» را به جای «برابری جنسیتی»، مجرای صحیح بحث درباره نسبت یابی حقوق و وظایف زن و مرد دانستند. طبیعتا ادبیات عدالت بر خلاف ادبیات برابری، چشم خود را نسبت به واقعیت عینی تمایزات بین زن و مرد نمی بندد و ضمن اذعان به این تفاوت ها، حقوق و تکالیف را به صورت هوشمندانه ای میان ایشان تقسیم می کند.

«مبنا بودن عدالت جنسیتی در برابر برابری جنسیتی «اینکه شعار «برابری جنسیتی» به طور مطلق می دهند، غلط است. برابری جنسیتی در همه جا [معتبر] نیست؛ در یک جاهایی بله، برابری هست، اما در یک جاهایی هم برابری نیست، و نمی تواند باشد. آنچه درست است «عدالت جنسیتی» است؛ «عدالت جنسیتی» در همه جا معتبر است. «عدالت» یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن.»

حضرت آیت الله خامنه ای در این دیدار، عقلانیت اسلامی در نسبت با موضوع زن را «یکی از نقاط قوت اسلام» معرفی کرده و سپس «عدالت جنسیتی» را به جای «برابری جنسیتی»، مجرای صحیح بحث درباره نسبت یابی حقوق و وظایف زن و مرد دانستند. طبیعتا ادبیات عدالت بر خلاف ادبیات برابری، چشم خود را نسبت به واقعیت عینی تمایزات بین زن و مرد نمی بندد و ضمن اذعان به این تفاوت ها، حقوق و تکالیف را به صورت هوشمندانه ای میان ایشان تقسیم می کند.

«مبنا بودن عدالت جنسیتی در برابر برابری جنسیتی «اینکه شعار «برابری جنسیتی» به طور مطلق می دهند، غلط است. برابری جنسیتی در همه جا [معتبر] نیست؛ در یک جاهایی بله، برابری هست، اما در یک جاهایی هم برابری نیست، و نمی تواند باشد. آنچه درست است «عدالت جنسیتی» است؛ «عدالت جنسیتی» در همه جا معتبر است. «عدالت» یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن.»

با قرار گرفتن دال «عدالت جنسیتی» در کانون گفتمان اسلامی در موضوع جایگاه زن، این پرسش کلیدی مطرح می شود که موضوع جنسیت در کدام عرصه ها واجد موضوعیت است و در کدامین عرصه ها مداخلت ندارد. رهبر معظم انقلاب، در امتداد اندیشه توحید مدار خود، ساحت کرامت انسانی و امکان رشد و تعالی معنوی انسان را از جمله مواردی می داند که در آن جنسیت موضوعیت ندارد. طبق بیان مطرح شده توسط آیت الله خامنه ای به مصاحبه ایشان در سال ۱۳۶۴ با نشریه زن روز موثر است:

در کتاب «روح توحید، نفی عبودیت غیر خدا»، یکی از لوازم توحید، «یکسانی انسان ها در امکان تکامل» است.  
«توحید» به معنای یکسانی و برابری انسان ها در امکان تعالی و تکامل نیز هست. چون گوهر و سرشت انسانی در همه یکسان است و این مایه ای است دست پرورد حکمت، پس هیچ کس نیست که در ذات و سرشت، از بیومدن صراط مستقیم تعالی و تکامل، ناتوان باشد. از این رو دعوت خدا، دعوتی عام است و ویژه کسانی با ملتی یا طبقه ای نیست؛ «(مقاله روح توحید، نفی عبودیت غیر خدا)  
بدین ترتیب در نظام اندیشه ای حضرت آیت الله خامنه ای، نادیده گرفتن جنسیت در ساحت کرامت انسانی نتیجه طبیعی اصل «تکريم ذاتی انسان» یا «انسان محوری» است که ریشه خود این اصل به مبنای توحید در جهان بینی اسلامی بازمی گردد.  
«رکن دوم (جهان بینی اسلامی)، تکريم انسان است؛ یا می توانیم به آن بگوییم انسان محوری. البته انسان محوری در بینش اسلامی، به کلی با یومانیسم اروپای قرون ۱۸ و ۱۹ متفاوت است.» (۱۳۷۹/۹۱۲)  
در تقریر حضرت آیت الله خامنه ای عدالت جنسیتی، ساحت زندگی خانوادگی انسان، ساحتی است که در آن تفاوت های جنسیتی با تاکید بر ظرفیت های متفاوت جسمی و روحی و به تبع آن تفاوت نقش های زن و مرد دارای موضوعیت است. با وجود تفاوت وظایف و نقش های زن و مرد در عرصه زندگی انسانی، مستند به آیه شریفه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»، این دو جنسیت از حقوق خانوادگی یکسانی برخوردارند.  
از منظر رهبر معظم انقلاب در ساحت اجتماعی اصل احساس وظیفه در قبال مسائل اجتماعی، امری عمومی است و جنسیت در آن مداخلت ندارد. همچنین به تصریح ایشان مسئولیت های اجتماعی هم از اصل شایستگی تبعیت می کنند. «با این وجود نکته ای که در فهم بیانات رهبر فرزانه انقلاب در دیدار اخیر نباید فراموش شود، اولویت نقش آفرینی خانوادگی زن در محیط خانوادگی نسبت به کنشگری اجتماعی است. برای فهم بهتر این موضوع مراجعه به مصاحبه ایشان در سال ۱۳۶۴ با نشریه زن روز موثر است:

